

روسیه در سال ۱۳۹۴ جهان را شوکه کرد و به عملیات نظامی در منطقه شام دست زد تا به نوعی موازنه را به سود نیروهای اسد تغییر دهد. در عین حال، در این سال شاهد افزایش تنش‌های دیپلماتیک و سیاسی میان مسکو و غرب بودیم و در همین چارچوب تحریم‌های اقتصادی علیه کرملین نشین‌ها وضع شد. سرانجام روسیه در نظام بین الملل و خاورمیانه در سال ۱۳۹۵ چه خواهد بود؟

## قدرت بیشتر از عقل اهمیت دارد

عباس ملکی

استاد دانشگاه صنعتی شریف



روسیه، دفاع از حقوق اقلیت روس تبار در مناطق فوق‌الذکر است. روس‌ها دیگر در کدام مناطق دیگر دنیا اقلیت قابل توجه دارند؟ قزاقستان، مولداوی، آذربایجان، ارمنستان، تاجیکستان؟ پس محور اول سیاست خارجی روسیه در آینده، همین حمایت از اقلیت‌های روس تبار خواهد بود. این محور می‌تواند به گرایش‌های ناسیونالیستی در داخل روسیه دامن بزند و مردم روسیه را در برابر فشارهایی همچون تحریم غرب علیه روسیه و کاهش ارزش روبل حتی تا ۳۳ درصد مصون سازد. این محور همچنین حمایت از رئیس‌جمهوری در دوما و شوراها شهر را با چالش مواجه نمی‌سازد. در روابط بین‌الملل بقیه بازیگران به این نتیجه خواهند رسید که سهم روسیه را باید داد و بگریز روسیه جایی را برای حمله کردن پیدا خواهد کرد. یکی از نقاطی که روسیه آسان‌تر می‌تواند برای حمله و انضمام به امپراتوری مد نظر قرار دهد، کشورهای خارج نزدیک است؛ کشورهای و مناطقی که در گذشته بخشی از اتحاد شوروی بوده‌اند و یا در پیمان ورشو، هم‌پیمان اتحاد شوروی در امور نظامی و امنیتی بوده‌اند. به عبارت دیگر آن مناطقی که در رینگ‌های امنیتی حفظ مسکو با استفاده از لوازم صنعتی نظامی کلاسیک حضور داشته‌اند. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در آخرین جلسه خود پیشنهاد کرده است که نیروهای این پیمان در شش کشور لتونی، لیتوانی، استونی، لهستان، بلغارستان، و رومانی یک واحد نظامی با ظرفیت یک هزار نفر مستقر کنند.

۲) محور دوم تکمیل زنجیره امنیت ژئولیتیک روسیه در سال‌های آینده است. همچنان روسیه از دسترسی نداشتن به آب‌های گرم ناخرسند است. این محور را در بخش نقش روسیه در خاورمیانه توضیح خواهیم داد. به‌علاوه، روسیه مایل است که امنیت کالیفرنیا، بخش جدا شده روسیه بین لیتوانی و لهستان و مشرف به دریای بالتیک همچنان حفظ شود؛ پس کشورهای این حوزه به‌خصوص لهستان، لیتوانی و فنلاند نباید از نیروهای رقیب یعنی ناتو انباشته شوند. روسیه مایل است که قفقاز، منطقه حائل بدون تهدید برای روسیه باشد. یعنی گرجستان، ارمنستان و آذربایجان دارای روابط دوستانه با مسکو باشند. در آسیای مرکزی، علاوه بر حفظ اقلیت‌های روس تبار، روسیه مایل نیست که مجدداً شاهد انقلاب‌های رنگی در این منطقه باشد. روسیه به قطب شمال توجه ویژه خواهد داشت. برافراشتن پرچم روسیه در عمق آب‌های اقیانوس منجمد شمالی در ۲۰۰۷، در آینده باید ثمر دهد. حدس زده می‌شود ۳۳ درصد منابع طبیعی جهان در دو قطب قرار دارند. ۳) محور سوم، تلاش روسیه برای فعال کردن سازمان‌های بین‌المللی است. «سازمان همکاری شانگهای» قابلیت گسترش برای مبارزه با افراط‌گری در بخش‌های مختلف پیرامون روسیه را دارد. روسیه با تقویت این پیمان از اتصال طالبان، القاعده، حزب التحریر با هرگونه اعتراض‌های مردمی در اندیجان، دره فرغانه، دره بدخشان، و همچنین جمهوری‌های مسلمان نشین داخل فدراسیون جلوگیری می‌کند. «سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی» از سال ۱۹۹۲ برای روسیه محمل مناسبی برای استفاده از سرزمین و آب‌های برخی از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع است. در بخش اقتصادی، روسیه همکاری‌های خود در چارچوب سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه را پی‌گیری می‌کند. این سازمان دسترسی روسیه به سرمایه و فناوری کشورهایمانند چین، ژاپن و آمریکا را تسهیل می‌کند. «جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع» با حضور روسیه و ۱۱ کشور دیگر به‌جامانده از اتحاد شوروی از ۱۹۹۱ تا امروز به کار خود ادامه می‌دهد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ۲۰۰۰ تاکنون با شرکت روسیه، بلاروس، قزاقستان، و تاجیکستان به منظور روابط اقتصادی در حال فعالیت

سال‌ها قبل یکی از عارفان سیاستمدار گفته بود که روس‌ها، قومی هستند که به قدرت بیشتر از عقل اهمیت می‌دهند. نظریه اصلی این مقاله آن است که روسیه بر قدرت سخت همچنان بیشتر از قدرت نرم تمرکز دارد و در آینده نیز این چنین خواهد بود. تاریخ قوم اسلاو نشان می‌دهد که اگر انگلیسی‌ها با بهره‌گیری از سیاست، به مجموعه‌ای از اراضی دست یافتند که در امپراتوری آنان هیچ‌گاه خورشید غروب نمی‌کرد؛ اگر فرانسویان با تکیه بر هنر و ظرافت به تسلط بر مناطق وسیعی از آفریقا، آسیای شرقی و آمریکای لاتین دست یافتند و اگر آلمان‌ها با تکیه بر فناوری، ماشین جنگی خود را دو بار در قرن بیستم به راه انداختند، روس‌ها برای دستیابی به سرزمین‌های وسیع شامل مناطق سیبری، قلب زمین، قفقاز و ترانس دنیستر، تنها و تنها از قدرت عربان استفاده کردند. سایر قدرت‌های سیاسی، در دوره‌ای، مزیت‌های ملی خود را به قدرت نظامی برای دستیابی به مستعمرات تبدیل کردند، اما روس‌ها به جز تراکم زور و تبدیل آن به ممالک مفتوحه، چه مزیت‌هایی دارند؟ اگر چنین موضوعی صحت داشته باشد، آنگاه رفتار روسیه در صحنه بین‌المللی قابل توجیه است. حملات بی‌امان روسیه به داغستان و جمهوری چچن در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ چیزی نیست جز مقابله با این تهدید که کسانی پیدا شدند که می‌خواستند از مجموعه امپراتوری خارج شوند و بنابراین باید با آنها مقابله کرد. هر چند بارها و بارها اصلاخ مسخودوف رئیس‌جمهوری سابق جمهوری خودمختار چچن اعلام کرد که آنها مایل هستند همچنان در فدراسیون روسیه باقی بمانند، اما هواپیماهای روسی نه سخن او، نه سلف او، یعنی جوهر دودایف را باور نکردند و با استفاده از شنود، دودایف را در کنار کشتزاری در بیرون از گروژنی در حالی که داشت با تلفن همراهش صحبت می‌کرد، از میان بردند. مسخودوف نیز در ۲۰۰۵ در روستای تولستوی-یورت به دست روس‌ها کشته شد. آنگاه روسیه در ۲۰۰۸ به شهر چخینوالی، مرکز جمهوری خودمختار اوستیای جنوبی که بخشی از گرجستان است، حمله کرد و متعاقب آن حمله، به فرودگاه تفلیس یورش برد و بخشی از اراضی گرجستان را تصرف کرد. در آن سال، روسیه دو کشور جدید به نام اوستیای جنوبی و آبخازیا را به رسمیت شناخت. آبخازیا از ۱۹۹۲ به تدریج از گرجستان راه خود را جدا کرد و با پشتیبانی روسیه به یک منطقه نفوذ روسیه در کناره دریای سیاه درآمد. در ۲۰۱۴ و پس از تغییر دولت، به واسطه تلاش‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در اوکراین، روس تبارهای اوکراین در مناطق شرقی و جنوبی اوکراین اعتراضاتی را علیه دولت جدید در کی‌یف ترتیب دادند. روسیه یک رزمایش در نزدیکی مرزهای اوکراین اجرا کرد و روز بعد نظامیان روسیه ساختمان‌های مهم و فرودگاه و بندر کریمه را به تصرف خود درآوردند؛ بعد هم یک همه‌پرسی در زیر سایه نظامیان روسیه برپا شد که اکثر شرکت‌کنندگان به پیوستن کریمه به روسیه رأی مثبت دادند. پوتین، کریمه را جزء جدایی‌ناپذیر روسیه دانست. روسیه حمایت از جدایی‌طلبان دیگر نقاط شرقی اوکراین را نیز از نظر دور نمی‌دارد. تحولات فوق‌نشان از آن دارد که اگر روسیه دارای قدرت است، چرا از آن استفاده نکند؟

در ادامه چند نکته درباره آینده روسیه در روابط بین‌الملل مطرح می‌شود:

۱) غالباً در این تحولات، دلایل چنین فعالیت‌هایی از طرف

فاجعه انسانی در سوریه سخت تر می‌کند. ظهور گروهی به نام دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و گسترش فتوحات این گروه در عراق و سوریه، مشخص کرد تا چه اندازه استراتژی کشورهای عرب مخالف رژیم صدام به همراه ترکیه و آمریکا در تضعیف بشار اسد ناشیانه بود. گویی غولی از شیشه بیرون آمد و یکباره همان کشورهایی را که به این گروه تروریستی بیشتر کمک مالی و تسلیحاتی کرده بودند، هدف قرار داد. اکنون پس از فعال شدن روسیه در سوریه از طریق حملات هوایی جنگنده‌های این کشور علیه مناطقی که داعش ممکن است در آنجا حضور داشته باشد، آمریکا و کشورهای متحد وی خواهان آتش بس شده‌اند. اما روسیه چگونه می‌تواند از پس هزینه‌های جنگ سوریه برآید؟ این اولین بار پس از ۱۹۸۰ است که روسیه در جنگی به دور از مرزهای خود درگیر شده است. در آن زمان نیروهای ارتش سرخ، افغانستان را اشغال کردند و ۱۰ سال بعد مفتضحانه از این کشور خارج شدند. حدس زده می‌شود که جنگ سوریه سالانه حدود سه میلیارد دلار برای مسکو هزینه داشته باشد، که در برابر بودجه دفاعی کشور پهنواری مانند روسیه (۵۰ میلیارد دلار) رقم قابل توجهی است.

روسیه پس از بحران کریمه به این نتیجه رسیده است که نزدیکی به کشورهای اسلامی می‌تواند مکمل راهبردهای این کشور در خارج نزدیک باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که روابط این کشور با ایران گسترش یابد. قرار است که حجم مبادلات تجاری مسکو و تهران از ۴ میلیارد دلار به ۴۰ میلیارد دلار در ۱۰ سال آینده گسترش یابد. مسکو در حال تحویل سامانه ضد هوایی اس ۳۰۰ به تهران است. روابط ترکیه با روسیه پس از ساقط شدن یک فروند جنگنده روسی در نزدیکی مرز ترکیه و سوریه در ۲۰۱۵، در حال کاهش است. به نظر می‌رسد ایران می‌تواند در بخش‌های پروژه ساختمانی، صادرات مواد غذایی، و خدمات مالی در روسیه فعال تر شود. از طرف دیگر، روسیه در حال بهتر کردن روابط خود با مصر است. علاوه بر خرید هواپیماهای جنگی روسی از سوی مصر، روسیه متعهد شده است که یک نیروگاه با سوخت هسته‌ای در بندر اسکندریه مصر احداث کند. روابط مصر و روسیه تأثیر مثبتی بر پایان جنگ در سوریه می‌گذارد. روسیه با اسرائیل نیز روابطی گرم دارد. روس‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری برای توسعه صنعت، حمل‌ونقل و دیگر زیرساخت‌های مورد نیاز هستند. در غیاب سرمایه‌گذاران اروپایی و آمریکایی شمالی، دولت روسیه به سرمایه‌گذاری یهودیان در روسیه چشم دوخته است. یهودیان روسیه همیشه موضوعی متناقض در روابط خارجی روسیه بوده‌اند. روسیه به حمایت از قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد در مورد فلسطینی‌ها و اراضی اشغالی ادامه خواهد داد، اما هیچ‌گاه مانند سوریه نیروی نظامی برای حمایت از فلسطینیان گسیل نخواهد کرد.

است. این اتحادیه پس از تحریم‌های اتحادیه اروپا اهمیت بیشتری یافته است. صندوق بین‌المللی پول موافقت کرد که به جای اعطای وام به روسیه، که در قیل تصویب شده بود، وامی به مبلغ ۳ میلیارد دلار در اختیار اوکراین قرار دهد؛ یعنی صندوق بین‌المللی پول به نظر روسیه اهرمی در دست انگلوساکسونها است. روسیه در عوض، در بانک توسعه زیرساخت‌های آسیایی که تأسیس آن به ابتکار چین صورت گرفت، با پرداخت سهم اولیه خود عضو شد و این، یعنی یکبار دیگر غرب راهش را از شرق جدا می‌کند.

محور چهارم، نگاه روسیه به جهان انرژی است. روسیه دومین دارنده ذخایر ثابت شده گاز جهانی و هشتمین دارنده ذخایر نفت خام جهانی و سومین مصرف‌کننده نفت خام در سطح جهانی است. این کشور بزرگترین تولید کننده نفت خام با تولید ۱۱/۸۳ میلیون بشکه در روز یعنی ۱۲ درصد کل تولید جهانی است. اگر روسیه نتواند با دیگر تولید کنندگان نفت و گاز تعامل کند، درآمد ناشی از صادرات نفت و گاز این کشور به اندازه کسر بودجه آن پس از تحریم‌های اروپا و آمریکا نخواهد بود. بنابراین، تعامل روسیه با کشورهای عضو مجمع کشورهای صادرکننده گاز و همچنین با اوپک نزدیکتر خواهد بود. روسیه دارای منابع طبیعی دست‌نخورده دیگری در سیبری، عمق دریای بارتز و کامچاتکا است که نیاز به فناوری‌های جدید مانند فراکینگ و حفاری چاه‌های افقی دارد.

محور پنجم، روابط روسیه با کشورهای اسلامی است. روسیه برای جهان اسلام، اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است. روسیه می‌داند که بی توجهی به این موضوع، دارای تبعات واگرایانه درون فدراسیون روسیه است. بنابراین روابط با کشورهای اسلامی برای روسیه تنها موضوعی در سیاست خارجی نیست. کشورهای متحد آمریکا در خاورمیانه، سرمست از سرنوشت رژیم‌های صدام و قذافی، و شکست بهار عربی در مصر و سرکوب قیام مردم بحرین، به این نتیجه رسیدند که می‌توانند اختلافات شخصی و خانوادگی خود را نیز به نفع خود خاتمه دهند. از سال‌ها قبل از ترور رفیق حریری نخست‌وزیر سابق لبنان در ۲۰۰۵، کارشناسان بر اختلافات میان خانواده حریری و علویان سوریه در مسائل سیاسی، امنیتی و اقتصادی انگشت گذاشتند. علاوه بر این، در رقابت تجاری، حریری از نسبت فامیلی با ملک عبدالله، حاکم عربستان سعودی، سود می‌برد و خانواده اسد از حاکمیت بر سوریه و همچنین دست بالا داشتن در تحولات لبنان، اختلافاتی از این دست، عربستان سعودی را واداشت که با استفاده از اختلاف شخصی رجب طیب اردوغان با رئیس‌جمهوری روسیه و آمادگی قطر، دست به قمار بزرگ در سوریه بزند. یکی از بزرگترین بازیگران صحنه سوریه، اسرائیل است که همچنان به صورت راهبردی بر نابودی رژیم سوریه پای فشرده است و با کمک‌های اطلاعاتی، مخابراتی، بهداشتی به مخالفان رژیم سوریه کار را برای پایان یافتن



روسیه برای جهان اسلام، اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است. روسیه می‌داند که بی توجهی به این موضوع، دارای تبعات واگرایانه درون فدراسیون روسیه است. بنابراین روابط با کشورهای اسلامی برای روسیه تنها موضوعی در سیاست خارجی نیست. کشورهای متحد آمریکا در خاورمیانه، سرمست از سرنوشت رژیم‌های صدام و قذافی، و شکست بهار عربی در مصر و سرکوب قیام مردم بحرین، به این نتیجه رسیدند که می‌توانند اختلافات شخصی و خانوادگی خود را نیز به نفع خود خاتمه دهند